



نگاهی به رژیم حقوقی دریای خزر

مجید منصوری تبار*

دبیر دبیرستان هاوسر گروه جغرافیای منطقه‌ی کلاردشت

چکیده

کشورهای حاشیه‌ی دریای خزر و ماهیت رقابت بین آن‌ها و نیز دو دیدگاه عمده در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر و مواضع هر یک از کشورها توضیح داده شده است. در پایان مقاله هم، به پیامدهای عدم توافق دولت‌های ساحلی خزر اشاره‌ای رفته است. چنان‌چه کشورهای ساحلی به تفاهم و توافق و اجماع منطقی دست نیابند، چه بسا دریای خزر که قرن‌ها در آرامش و ثبات به سر برده و محلی امن برای ساحل‌نشینان خود بوده است، به منطقه‌ای بحران‌زده، پرتنش و پر مناقشه تبدیل شود که در این صورت هیچ سودی برای کشورهای منطقه نخواهد داشت.

امید است کشورهای منطقه‌ی دریای خزر با توجه به مشترکات دینی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، و اقتصادی که دارند، به تفاهم و توافقی کلی و منطقی دست یابند و موضوع رژیم حقوقی دریای خزر را روشن و معین سازند. این ملت‌ها و دولت‌ها در لوای صلح و دوستی، و تفاهم و برادری می‌توانند به بهره‌برداری مشترک از مواهب آن بپردازند و به حیات خویش ادامه دهند.

کلیدواژه‌ها: دریای خزر، رژیم حقوقی، فروپاشی، مواضع و دیدگاه‌ها، ژئوپلتیک.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر سال ۱۹۹۱ میلادی، دریای خزر به یکی از مناطق راهبردی جهان و کانون توجه دولت‌های همسایه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای بدل شد. به دنبال آن، کشورهای جدیدالتأسیسی ظاهر و پدیدار شدند و تغییرات ژئوپلتیکی خاصی در منطقه رخ داد. نوع نگرش به دریای خزر و مسائل مربوط به آن نیز دگرگونی فراوانی پذیرفت. دولت‌های نوظهور برای توسعه و پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشورشان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بدون توجه به حفظ محیط‌زیست به منابع نفت و گاز دریای خزر چشم دوختند و حتی با حمایت کشورهای فرامنطقه‌ای، از جمله آمریکا، در صدد بهره‌برداری از این ذخایر برآمدند. این قضیه، چالش‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی مهمی را در حوزه‌ی دریای خزر به وجود آورد و هر یک از کشورها مواضع و دیدگاه‌های متفاوتی را در زمینه‌ی بهره‌برداری از منابع و ذخایر دریای خزر ارائه کردند.

با توجه به اهمیت موضوع برای ما ایرانی‌ها و به دلیل ارتباط تاریخی ایران با دریای خزر، نمی‌توانیم به مسائل و تحولات مربوط به این منطقه بی‌توجه باشیم. بنابراین در این مقاله، موضوع مورد اختلاف بین

است. وسعت دریای خزر را ۳۸۶۴۰۰ کیلومتر مربع عنوان کرده‌اند و در برخی منابع ۴۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع نوشته‌اند. این دریا در عرض شمالی ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۷ دقیقه و طول شرقی ۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۵۰ دقیقه قرار دارد.

طول خط ساحلی آن حدود هفت هزار کیلومتر است که تقریباً هزار کیلومتر آن از بندر آستارا تا رودخانه‌ی اترک سواحل ایران، حدود ۲۳۰۰ کیلومتر آن سواحل قزاقستان، ۱۶۴۲ کیلومتر آن سواحل ترکمنستان، ۸۲۵ کیلومتر آن سواحل آذربایجان و ۶۹۵ کیلومتر آن سواحل روسیه را تشکیل می‌دهد. دریای خزر را به‌طور سنتی به سه بخش شمالی (۲۵ درصد)، میانی (۳۶ درصد) و جنوبی (۳۹ درصد) تقسیم می‌کنند. حدود ۸۸ درصد آب ورودی آن از رودخانه‌های ولگا، اورال، و اترک تأمین می‌شود. میانگین عمق این دریا در بخش شمالی ۱۰ متر و در بخش میانی ۱۹۰ متر است. حداکثر عمق آن نیز در بخش شمالی ۷۸۸ متر و در بخش جنوبی (نزدیک به سواحل ایران) ۱۰۲۵ متر است [مستقیم، ۱۳۸۴: ۵ تا ۳].

دریای خزر در گذشته با نام‌های هیرکان، دیلم، گرگان، طبرستان، آبسکون و مازندران شناخته می‌شده است و در منابع عربی به قزوین معروف بوده است. از وپایان معتقدند که قومی به نام «کاسپی» در جنوب غربی دریای خزر زندگی می‌کرده‌اند. به همین خاطر، آن را دریای «کاسپین» می‌نامند. روس‌ها هم همین نام را به کار می‌برند. در بیشتر اطلس‌های جغرافیایی و نقشه‌های امروزی، نام کاسپین به کار برده شده است. ولی در کتاب‌های تاریخی ایران، به‌ویژه متعلق به دوره‌ی ساسانی و در کتاب‌های «مسالک الممالک» نوشته‌ی ابن حوقل و «معجم البلدان» و «نزهت القلوب»، نام این دریا را خزر عنوان کرده‌اند [همان، ص ۷ و ۸].

خزر نام قومی بوده که در شمال این دریا زندگی می‌کرده‌اند. این قوم نژاد زرد و ترک داشته‌اند و به روایتی هم آریایی بوده‌اند که بین دو امپراتوری بیزانس و ایران در قفقاز و در جنوب روسیه حکمرانی می‌کرده‌اند و گاهی با دو امپراتوری دوست و گاهی دشمن بوده‌اند [گروه آموزشی شاخه‌ی علوم انسانی، ۱۳۸۳: ۸].

موضوع مورد اختلاف در دریای خزر (مازندران)

معمولاً در رقابت‌های منطقه‌ای، اختلاف‌ها و مناقشه‌هایی به وجود می‌آید. دریای خزر قبل از فروپاشی شوروی، به‌عنوان پهنه‌ی آبی

منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خزر در حال حاضر نسبتاً با ثبات است و خطر درگیری‌های سیاسی آن را تهدید نمی‌کند. این منطقه با منابع غنی انرژی و بازار مصرف ۲۰۰ میلیون نفری، می‌تواند به منطقه‌ی صلح بدل شود. برای رسیدن به چنین هدفی، باید کشورهای ساحلی دریای خزر در مورد مسائل مربوط به نظام حقوقی این دریا، به‌ویژه بهره‌برداری از منابع «هیدروکربور» آن، به توافق برسند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد کشورهای جدید در حاشیه‌ی دریای خزر و نیز تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه، تعداد کشورهای ساحلی خزر از دو کشور به پنج کشور افزایش یافت. نوع نگرش به دریای خزر و مسائل آن نیز دچار دگرگونی شد و نظام حقوقی آن دوباره مورد توجه قرار گرفت و به موضوعی جدید تبدیل شد. عقد قراردادهای متعدد نفتی با شرکت‌های چندملیتی و ورود دولت‌ها و سازمان‌های فرامنطقه‌ای به منطقه‌ای به منطقه‌ی خزر، رقابت‌های سیاسی و اقتصادی را در این منطقه تشدید کرد و سبب شد وضعیت منطقه پیچیده‌تر شود و چالش‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی مهمی در حوزه دریای خزر و نظام حقوقی حاکم بر آن پدید آید. مواضع متفاوت کشورهای ساحلی، سوالات و ابهاماتی را در محافل رسمی و غیررسمی در سطوح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر در دوران قبل از فروپاشی شوروی، و تأثیر فروپاشی بر این وضعیت ایجاد کرده است.

این مقاله می‌تواند به رفع ابهاماتی که در این زمینه به وجود آمده است کمک کند و به سؤالاتی که برای دبیران گروه درسی جغرافیا و حتی همکاران در گروه‌های درسی دیگر و نیز دانش‌آموزان و مردم وطن دوست ایران اسلامی در مورد دریای خزر و نظام حقوقی آن مطرح می‌شود، پاسخ گوید.

مشخصات کلی دریای خزر (مازندران)

دریای خزر (مازندران) بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان در شمال کشور ما ایران قرار دارد و بین پنج کشور ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و جمهوری آذربایجان محصور شده است. این دریا از بقایای تجزیه شده‌ی «دریای تیسس» در دوران سوم زمین‌شناسی پدید آمده است و از طریق کانال ولگا-دن با دریای سیاه ارتباط دارد. این پهنه‌ی آبی که به دلیل وسعت بسیار زیادش، نام دریا به خود گرفته، در طول تاریخ نقش به‌سزایی در حیات سیاسی و اقتصادی مردمان ساحل‌نشین خود داشته

محصول بین ایران و شوروی، بر اساس معاهده‌های سازهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، به شکل مشترک توسط این دو کشور اداره می‌شد. در مواد ۱۱ و ۱۴ عهدنامه‌ی سال ۱۹۲۱، تصریح شده بود که ایران و اتحاد جماهیر شوروی در زمینه‌ی کشتی‌رانی (اعم از تجاری و نظامی) و ماهی‌گیری از دریای خزر از حقوق برابر بهره‌مند هستند. در بند ۴ ماده ۱۲ عهدنامه‌ی ۱۹۴۰ (معروف به عهدنامه‌ی تجاری و کشتی‌رانی ایران و شوروی) نیز آمده بود که اولاً تا عرض ۱۰ مایل از آب‌های مجاور دو کشور، منطقه‌ی انحصاری و اختصاصی صید ماهی دو کشور تلقی می‌شود و بقیه‌ی آب‌ها منطقه‌ی مشترک مورد استفاده‌ی طرفین خواهد بود. افزون بر این، در پروتکل الحاقی این عهدنامه تصریح شده بود که دریای خزر دریای مشترک بین ایران و شوروی است.

در طول تاریخ، هیچ‌گونه خط مرزی بین ایران و شوروی در دریای خزر وجود نداشته است. به همین دلیل، در تصور عمومی ناظران خارجی، و در نوشته‌ها و نقشه‌ها، هیچ محدوده‌ی رسمی برای حاکمیت ایران و شوروی بر دریای خزر وجود نداشت. در نتیجه، دریای خزر دریای مشترک ایران و شوروی تلقی می‌شد. حتی پس از فروپاشی شوروی نیز بر اساس اصل جانشینی دولت‌ها، خزر دریای مشترک بین ایران و کشورهای جدید التاسیس (روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان) به حساب آمد.

با این حال، پس از فروپاشی شوروی و اضافه شدن سه کشور دیگر، ضرورت بازنگری در رژیم حقوقی دریای خزر و تعیین رژیم حقوقی جدید از سوی کشورهای یاد شده، احساس شد. در نتیجه تلاش برای حل این مسئله آغاز گردید. هر چند، از ابتدا تصور می‌شد که تعیین رژیم حقوقی دریای خزر کار دشواری نیست، اما پس از گذشت یک دهه تلاش هنوز این مسئله به سرانجام نرسیده است. پس امروز هم مهم‌ترین موضوع مورد اختلاف کشورهای منطقه، تعیین رژیم حقوقی جدید برای بهره‌برداری از منابع آن است [حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۲۴ تا ۱۲۶].

دو دیدگاه عمده در مورد رژیم حقوقی دریای خزر

دیدگاه اول، خزر را دریاچه می‌داند و قائل به مشاع بودن و استفاده‌ی مشترک از منابع آن توسط دولت‌های حاشیه‌ی خزر است. دیدگاه دوم با دریا دانستن خزر، معتقد است که باید آن را به بخش‌های ملی و مجزا از یکدیگر تقسیم کرد. بر اساس دیدگاه اول، هر یک از پنج کشور حاشیه‌ی دریاچه خزر، می‌تواند از محدوده‌ای مشخص و انحصاری،

متعلق به خود بهره‌مند شوند و از منابع آبی و منابع بستر آن محدوده، بر اساس کنوانسیون حقوق دریاهای (سال ۱۹۸۲) استفاده کند. مطابق این دو دیدگاه می‌توان گفت که رژیم حقوقی دریای خزر از دو حالت خارج نخواهد بود: یا به‌طور کامل به شکل مشاع و مشترک اداره خواهد شد، یا کشورهای ساحلی آن را میان خود تقسیم خواهند کرد [همان: ۱۲۶].

ماهیت رقابت در منطقه‌ی خزر

عمده‌ترین ویژگی رقابت میان کشورهای ساحلی دریای خزر را می‌توان رقابت مکانی دانست. بدین معنا که این کشورها بر سر مالکیت این دریا، به ویژه منابع نفتی آن، با یکدیگر رقابت دارند و هر یک به دنبال به دست آوردن سهم بیشتری برای خود هستند مواضع کشورهای ساحلی خزر در مورد رژیم حقوقی آن، نیز در تمایل این کشورها به کسب بیشترین سهم از منابع بستر و زیر بستر دریای خزر ریشه دارد.

مواضع و دیدگاه‌های کشورهای ساحلی دریای خزر

۱. جمهوری اسلامی ایران

ایران دولت‌های ساحلی نو استقلال را به رسمیت می‌شناسد و دریای خزر را منطقه‌ی همکاری بر اساس منافع متقابل می‌داند. به اعتقاد ایران، نظام حقوقی فعلی دریای خزر، یعنی معاهده‌ی ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میان ایران و جمهوری فدراتیو روسیه، و معاهده‌ی ۲۵ مارس ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کماکان اعتبار دارد. بنابراین دولت ایران نیز مانند روسیه اعتقاد دارد که خزر دریاچه است و نظام حقوقی آن مشمول قواعد بین‌الملل دریاهای از جمله کنوانسیون حقوق دریاهای (۱۹۸۲) نمی‌شود. ایران از اصل بهره‌برداری مشترک حمایت می‌کند که به موجب آن، همه‌ی دولت‌های ساحلی می‌توانند به‌طور مشترک از منابع نفت و گاز دریای خزر بهره‌برداری کنند. اما چنانچه قرار باشد بستر دریا تقسیم شود، ایران خواهان تقسیم مساوی آن میان پنج کشور ساحلی است و به شرکت‌های نفتی خارجی اجازه نمی‌دهد، در منطقه‌ای که آن را جزو سرزمین ایران می‌داند، به اکتشاف و حفاری دست بزنند. از نظر ایران، تکمیل نظام حقوقی دریای خزر و وضع مقرراتی برای روشن شدن نحوه‌ی بهره‌برداری از منابع آن، امری ضروری است؛ زیرا هرگونه تأخیر در تعیین این نظام، آثار زیان‌باری برای امنیت منطقه دربر خواهد داشت. ایران آماده‌ی مذاکره در مورد رژیم حقوقی دریای

خزر است و تا زمانی که مقررات لازم وضع نشده و یا مادامی که نظام حقوقی جدیدی جای گزین نظام حقوقی موجود نگردیده است، باید از هر گونه اقدام یک جانبه و تحریک کننده که مغایر با مقررات فعلی بهره برداری از منابع این دریا و در تعارض با اصل روابط دوستانه باشد، اجتناب شود. از نظر ایران، هر گونه توافقی در مورد نظام حقوقی دریای خزر، باید با اجماع دولت های ساحلی به دست آید. مبنای حصول چنین توافقی معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی خواهد بود [مستقیمی، ۱۳۸۴: ۹۸].

طبق رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر در دوران شوروی سابق، این دریا مشاع بوده است و طرفین (ایران و شوروی) حق بهره برداری برابر از آن را داشته اند. بر اساس قرارداد ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ حقوق و سهم ایران ۵۰ درصد است و بر اساس قرارداد ۱۹۴۰، دو کشور به جز در محدوده ای انحصاری ۱۰ مایلی برای ماهی گیری، در بقیه ی پهنه ی دریا از حقوق برابر برخوردارند. اگر چه به موضوعات دیگر از جمله موضوع بهره برداری از نفت و گاز، در این اسناد اشاره نشده است، ولی این حقوق برابر به تمام مسائل خزر از جمله در بهره برداری از منابع نفت و گاز قابل تسری است. با عنایت به اصل جانشینی دولت ها، کشورهای تازه استقلال یافته نیز ملزم به رعایت تعهدات شوروی سابق هستند.

به هر حال، رسیدن به اجماع کلی متضمن طی شدن روندی طولانی است و ظرف چند جلسه نتیجه ای حاصل نخواهد شد. نکته ی قابل توجه آن است که بر کل دریا، اعم از آب، بستر و زیر بستر، باید فقط یک نظام حاکم باشد. یعنی یا از آن به صورت مشترک استفاده شود که ایران این نظام را ترجیح می دهد، یا نظام دوگانه ای حاکم شود: یکی برای آب به صورت مشترک و دیگری برای بستر و زیر بستر دریا به شکل شهیم به نسبت که برای ایران پذیرفتنی نیست.

۲. جمهوری فدراتیو روسیه

روسیه از ابتدا با تأکید بر عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۹، خزر را یک دریاچه می داند و در نتیجه بر این باور است که کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) نمی تواند به آن تسری داده شود. مطابق این دیدگاه، چون کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، دولت های جانشین شوروی سابق قلمداد می شوند، بر اساس اصل جانشینی دولت ها، موظف هستند از عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ پیروی کنند. امضای بیانیه ی آلماتی در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ توسط آذربایجان، ترکمنستان و

قزاقستان نیز این کشورها را موظف می کند، کلیه ی معاهدات بین المللی شوروی سابق را بپذیرند.

روسیه معتقد است که در حال حاضر، به رغم نقایصی که عهدنامه ها دارند، تنها راه استفاده از منابع دریای خزر آن است که بر اساس رویه ی حقوقی گذشته، کشورها به شکل مشترک و با توافق و اجماع از این دریا استفاده کنند. از این رو، اقدام یک جانبه ی هریک از دولت ها در بهره برداری از منابع دریای خزر قبل از توافق بر سر رژیم حقوقی جدید، غیر قانونی است و روسیه با آن مخالف است. این موضع روسیه، به صورت سند در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۴ در سازمان ملل متحد منتشر شد. با وجود این، روسیه پذیرفت که کشورهای ساحلی می توانند ۲۰ مایل دریایی را به عنوان بخشی از سرزمین خود و ۲۰ مایل دیگر را به عنوان منطقه ی ویژه ی اقتصادی برای خود در نظر بگیرند و بقیه ی دریا به طور مشترک به پنج کشور تعلق داشته باشد [حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۲۷ و ۱۲۸].

در سال های پایانی دهه ی ۱۹۹۰، تغییراتی در موضع روسیه صورت گرفت و موجب شد که موضع آذربایجان-قزاقستان تقویت شود. روسیه در نوامبر سال ۱۹۹۶ اعلام کرد که قصد برقراری نوعی سازش میان کشورهای حاشیه ی دریای خزر را دارد و آماده است، ۴۵ مایل خارج از ساحل هر کشور را به عنوان منطقه ی انحصاری اقتصادی آن کشور بپذیرد و مالکیت کشورها را بر منابع نفتی که بهره برداری از آن ها آغاز شده و یا در حال آغاز است، به رسمیت بشناسد. به نظر می رسد، اتخاذ این سیاست منعطف تر توسط روسیه متوجه غیر ممکن بودن سیاست جلوگیری از تقسیم دریای خزر باشد. البته روسیه هنوز اصرار دارد که رسیدگی به امور کشتی رانی و دریانوردی و مدیریت ماهی گیری و زیست محیطی خزر در خارج از محدوده ی ۴۵ مایلی، باید به شکل مشترک صورت گیرد [همان، ص ۱۳۰]. علاوه بر آن، روسیه طرح جدیدی را مطرح کرد که مطابق آن، با احتساب خطی میانی، ۴۹ درصد قسمت شمالی دریا بین روسیه و قزاقستان تقسیم شود و ۵۱ درصد قسمت جنوبی به سه کشور ایران، ترکمنستان و آذربایجان، هر کدام ۱۷ درصد سهم، تعلق بگیرد. این طرح با مخالفت ایران و آذربایجان مواجه شد [امیدی، ۱۳۸۴: ۱۸۵].

۳. جمهوری آذربایجان

آذربایجان را می توان کشور برهم زنده ی رژیم حقوقی (هرچند

به طور ناقص) دریای خزر دانست. این کشور با عقد اولین قرارداد نفتی در سپتامبر سال ۱۹۹۴ با چند شرکت نفتی غربی برای توسعه‌ی میدان‌های نفتی خود، اولین کشوری بود که رژیم حقوقی دریای خزر را نادیده گرفت. آذربایجان تنها با توجه به منافع ملی خود به دنبال کسب بیشترین منابع انرژی (عمدتاً نفتی) دریای خزر بود. بنابراین، تنها با تقسیم کامل دریای خزر بر اساس خط منصف موافق است. مطابق دیدگاه این کشور، دریای خزر مرزی آبی بدون دست‌رسی به دریای آزاد است و باید منابع بستر و زیر بستر آن مطابق اصل خط منصف میان دولت‌های ساحلی تقسیم شود. آذربایجان برای تقویت موضع خود، به تقسیم دریای خزر در سال ۱۹۷۰ توسط اتحاد جماهیر شوروی میان جمهوری‌های خود (قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان) و هم‌چنین تقسیم منابع دریاچه‌های بین‌المللی، از جمله دریاچه‌های پنج‌گانه‌ی مشترک میان آمریکا و کانادا، دریاچه‌ی چاد میان کشورهای چاد، نیجر، نیجریه و کامرون، و دریاچه‌ی ژنو میان فرانسه و سوئیس اشاره می‌کند [حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۲۷ و ۱۲۸].

۴. جمهوری قزاقستان

دولت قزاقستان نیز با نظام حقوقی مشاع دریای خزر مخالف است و از تقسیم این دریا حمایت می‌کند. این دولت پیشنهاد دهنده‌ی طرحی است که به موجب آن دریای خزر به این نحو تحدید می‌شود: دریای سرزمینی، منطقه‌ی ماهی‌گیری (حد اکثر به عرض ۳۰ کیلومتر)، منطقه‌ی آبی آزاد با آزادی‌های شش‌گانه‌ی آن، تقسیم بستر دریا و برخورداری دولت‌های ساحلی از حقوق انحصاری بر منابع بستر و زیربستر، حق عبور برای کشورهای محاط در خشکی، استقرار لوله‌ی نفت در بستر دریا و تعهد به همکاری برای حفظ محیط زیست.

مبنای موضع قزاقستان، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست و این کشور موضعی نزدیک به آذربایجان دارد. در حال حاضر، قزاقستان همانند جمهوری آذربایجان و روسیه خواهان تقسیم بستر دریا بر اساس خط میانه و به تناسب طول سواحل هر دولت است (مستقیم، ۱۳۸۴: ۱۲۷ و ۱۲۸). بر اساس مواضع مشترک آذربایجان و قزاقستان، دریای خزر باید به ۲۱ درصد سهم آذربایجان، ۲۹/۵ درصد سهم قزاقستان، ۱۷ درصد سهم ترکمنستان، ۱۸/۵ درصد سهم روسیه و ۱۳ تا ۱۴ درصد سهم ایران تقسیم شود. این موضع از سوی ایران و روسیه مردود اعلام شده است [امیدی، ۱۳۸۴: ۱۸۳]. به طور کلی، قزاقستان طرف‌دار یک راه‌حل مرحله‌به‌مرحله برای مسئله‌ی خزر است و بیان می‌کند،

کشورهای ساحلی برای استفاده از این دریا نباید منتظر رسیدن به یک راه‌حل نهایی بمانند.

۵. جمهوری ترکمنستان

موضع ترکمنستان به مواضع ایران و روسیه نزدیک‌تر است و در واقع مبهم‌ترین موضع را در میان پنج کشور ساحلی دارد. این کشور ضمن مخالفت با فعالیت‌های نفتی آذربایجان در دریای خزر، ادعا می‌کند که برخی از این فعالیت‌ها ناقض حقوق این کشور است. این در حالی است که ترکمنستان با تصویب قانونی درباره‌ی مرزهای ملی خزر در سال ۱۹۹۲، محدوده‌ای ۱۲ مایلی را به عنوان منطقه‌ی انحصاری خود در نظر گرفته است. به عبارت دیگر، اقدام نخست ترکمنستان، نشان از تأیید گزینه‌ی استفاده‌ی مشترک از دریای خزر را دارد. در حالی که اقدام دوم آن حاکی از پذیرش موضع کشورهای طرف‌دار تقسیم است. به رغم ابهام موجود، جهت‌گیری‌های ترکمنستان در مورد دریای خزر، با روسیه و ایران هم‌سوئی بیشتری دارد [حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۲۹].

پیامدهای نبود توافق در مورد رژیم حقوقی دریای خزر

دریای خزر محل تلاقی منابع راهبردی کشورهای ساحلی است و از نظر زیست‌محیطی و ژئوپلیتیکی موقعیت منحصر به فردی دارد. این دریا بزرگ‌ترین و غنی‌ترین دریاچه‌ی جهان محسوب می‌شود و امور مربوط به آن تا قبل از فروپاشی شوروی، بر اساس توافق‌های دوجانبه‌ی بین ایران و آن کشور حل و فصل می‌شد. اما در چند سال اخیر، مجادله‌هایی در قالب مباحث حقوقی بهره‌برداری از منابع دریای خزر، به ویژه منابع هیدروکربور آن، در گرفته است. رژیم حقوقی دریای خزر، از لحاظ چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی، نحوه‌ی حفاظت از دریا، تنظیم روابط کشورهای ساحلی و بسط همکاری میان آن‌ها اهمیت زیادی دارد. عوامل زیر بر پیچیدگی مسئله‌ی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر افزوده است:

۱. اهمیت فزاینده‌ی ژئوپلیتیک منطقه.
۲. مسئله‌ی انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی و انتخاب راه و طریق مناسب برای آن.
۳. سیاست برخی از کشورها برای بسط و نفوذ خود در منطقه.
۴. تلاش کشورهای تازه استقلال یافته‌ی حاشیه‌ی دریای خزر برای بهره‌برداری از منابع هیدروکربور آن، به منظور توسعه‌ی اقتصادی و

تثبیت وضعیت سیاسی خود و در نهایت کاستن از وابستگی به روسیه [مستقیمی، ۱۳۸۴: ۱۰۸].

منطقه‌ی خزر به واسطه‌ی موقعیت خاص ژئوپلتیک و دارا بودن منابع غنی انرژی و بازار مصرف مناسب برای کالاهای غربی، توجه فزاینده‌ی غرب را به خود معطوف ساخته است. با توجه به افزایش تقاضای انرژی در جهان در سال‌های آینده، دستیابی به این منابع برای امنیت انرژی غرب سودمند خواهد بود. رقابت بر سر کنترل این منابع نیز می‌تواند، بر دور نمای ژئوپلتیک اوراسیا و تحولات داخلی و سیاست‌های خارجی کشورهای محور چون روسیه، ایران، ترکیه و چین تأثیر عمده بر جای گذارد [امیدوارنیا، ۱۳۸۰: ۱۳].

چنانچه کشورهای حوزه‌ی دریای خزر در مورد رژیم حقوقی این دریا به اجماع کلی و تفاهم و توافق منطقی و اصولی دست نیابند، با تحریکات کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، رقابت، نفاق و دشمنی بین آن‌ها ایجاد و گسترش می‌یابد و منطقه دچار بی‌ثباتی، تنش و ناامنی خواهد شد. این امر، حضور نیروهای ناتو و آمریکا را در منطقه توجیه‌پذیر می‌کند و سبب ضعیف شدن روابط و مناسبات بین کشورهای منطقه می‌شود. در صورت نرسیدن به توافق، نوعی هرج و مرج و بی‌نظمی در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر به وجود خواهد آمد. یکی از نتایج نامطلوب این هرج و مرج، آلودگی بیش از حد این دریا و سواحل آن خواهد بود که فاجعه‌ی زیست‌محیطی را به دنبال خواهد داشت و بر زندگی ساحل‌نشینان بی‌تأثیر نخواهد بود.

جمع‌بندی

تا سال ۱۹۹۱، دریای خزر، بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی مشاع و مشترک بود. با فروپاشی و تجزیه‌ی اتحاد جماهیر شوروی و اضمحلال نظام سوسیالیستی، چهار کشور ساحلی خزر یعنی روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان، به استقلال رسیدند و تغییرات ژئوپلتیک خاصی در منطقه ایجاد شد. کشورهای استقلال‌یافته برای پیشرفت و توسعه، گام‌هایی برداشته‌اند و نوع نگرش آن‌ها به بهره‌برداری و رژیم حقوقی دریای خزر نسبت به گذشته تغییر یافته است. دریای خزر نیز به عنوان موضوعی جدید مورد توجه کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار گرفته است. عقد قراردادهای متعدد نفتی با شرکت‌های چندملیتی و ورود دولت‌ها و سازمان‌های فرامنطقه‌ای به منطقه‌ی دریای خزر، موجب تشدید رقابت‌های سیاسی و اقتصادی و پیچیده‌تر شدن

وضعیت منطقه و پدید آمدن چالش‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی مهمی در منطقه‌ی دریای خزر شده است.

هر یک از کشورهای ساحلی دریای خزر، مواضع و دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی رژیم حقوقی و نحوه‌ی بهره‌برداری از هیدروکربورها و بستر دریای خزر دارند. با توجه به عملکرد و مواضع این کشورها، ایران نمی‌تواند نسبت به منافع خود در دریای خزر بی‌تفاوت بماند. بنابراین در محافل رسمی، دیدگاه‌ها و مواضع اصولی و منطقی خویش را مطرح و همواره از آن دفاع می‌کند و با توجه به این‌که کشورهای ساحلی خزر در زمینه‌ی رژیم حقوقی دریای خزر به نتیجه و تفاهم و توافق کلی دست نیافته‌اند، جمهوری اسلامی ایران خواهان بهره‌برداری مشترک و مساوی همه‌ی کشورهای ساحلی از این دریاست. هم‌چنین ثبات و آرامش را در منطقه پی‌گیری می‌کند و هرگونه استفاده‌ی یک‌جانبه از مواهب زیر بستر دریای خزر را مردود می‌داند. در سال‌های اخیر، برخی از کشورهای ساحلی خزر مانند آذربایجان، با حمایت غرب به ویژه آمریکا، می‌کوشند هرچه بیشترین از بستر و زیربستر دریای خزر بهره‌برداری کنند. این امر باعث بی‌ثباتی، بی‌نظمی و ناامنی در منطقه می‌شود. به علاوه، حضور نیروهای بیگانه، به ویژه ناتو را در منطقه توجیه‌پذیر می‌سازد و منطقه را به سمت نظامی شدن سوق می‌دهد. پیشنهاد می‌شود که همه‌ی کشورهای ساحلی منطقه نسبت به تعهدات خویش پای‌بند باشند و با تفاهم و همکاری، رژیم حقوقی دریای خزر را پی‌گیری کنند و به حضور دولت‌های بیگانه پایان دهند. کشورهای منطقه می‌توانند با هم‌گرایی در زمینه‌های گوناگون، به ویژه حول محور انرژی، این منطقه را به کانون صلح و آرامش تبدیل کنند.

منابع

۱. مستقیمی، بهرام. حفظ محیط‌زیست دریای خزر: راهکارهای دیپلماتیک. مرکز انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۸۴.
۲. امیدوارنیا، محمدجواد. خزر ۵ نقش قدرت‌های خارجی. مرکز انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۸۰.
۳. امید، علی. ایجاد منطقه‌ی مشترک و رژیم حقوقی دریای خزر. فصل‌نامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۵۲. مرکز انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۸۴.
۴. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۱. مرکز انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۸۴.
۵. دمیرچی‌لو، محبتی. نگاه ایرانی به تحولات رژیم حقوقی دریای خزر. فصل‌نامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۵۳. مرکز انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۸۵.
۶. گروه‌های آموزشی شاخه‌ی علوم انسانی استان مازندران. فصل‌نامه‌ی پیام سبز. زمستان ۱۳۸۳.
۷. اطلس گیتا شناسی. دریای خزر و کشورهای ساحلی آن.